

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آیه غار

استاد راهنما: حجت الاسلام مهدی احمدی

نویسنده: جواد مختاری

آبان ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

چکیده

اهل سنت همراهی ابوبکر با پیامبر را فضیلتی ویژه و مختص برای او می دانند. که هیچ یک از صحابه در این فضیلت با او شریک نبوده است. آن ها از کلمه ی ثانی اثنین، همراهی ابوبکر با پیامبر و تنها نگذاشتن ایشان و... برای اثبات فضیلت او استفاده کرده اند، ولی در مقابل شیعه همه ی این نظرات را با ادله و استدلال رد کرده است. در نهایت اثبات می کند این آیه نه تنها فضیلتی برای ابوبکر ثابت نمی کند، بلکه ضعف ایمان او را بیان می دارد.

در طول تاریخ کتابهای متعددی شیعیان برای نقد این دلیل نوشته اند که یکی از بهترین کتابهایی که در این زمینه نگاشته شد کتاب «نقد ادله خلافت» آیت الله نجم الدین طبری می باشد. در بخشی از این کتاب به نقد استدلال اهل سنت نسبت به آیه غار پرداخته اند. ما در این نوشتار این بخش از کتاب را خلاصه کرده تا مورد استفاده دیگران قرار گیرد.

کلیدواژه

آیه غار- فضیلت- ابوبکر- پیامبر اکرم- ایمان

مقدمه

اهل تسنن برای مشروعیت بخشیدن خلافت ابوبکر به دلیل های متعددی از قرآن و روایات استناد کرده اند. برای اثبات خلافت منابع دینی را بر اساس فهم خودشان تفسیر و تبیین نمودند. در طول تاریخ شیعیان که موارد متعدد این ادله را مورد بررسی قرار دادند و به صورت واضح و منطقی آن رو نقد کردند.

یکی از آیاتی که اهل سنت برای اثبات خلافت ابوبکر تاکید می ورزند آیه غار می باشد.

آیه غار مربوط به ماجرای هجرت پیامبر اکرم به مدینه است زمانی که کافران قصد کشتن پیامبر را داشتند پیامبر به فرمان خداوند از مکه خارج شده و در بین راه وارد غاری شدند. مدتی در آنجا ماندند تا کافران متوجه ایشان نشوند.

همراهی ابوبکر در این سفر موجب شده که اهل سنت این را فضیلتی برای او قرار دهند و او را به خاطر چنین همراهی شایسته خلافت بعد از پیامبر اکرم بدانند.

در این باره شیعیان برای نقد این استدلال کتاب های متعددی تالیف نمودند. از جمله این نگاشته ها کتاب «نقد ادله خلافت» آیت الله نجم الدین طبری می باشد. ایشان از جهات مختلف این آیه را مورد نقد و بررسی قرار می دهند. ما

برای دسترسی آسان و سریع همگان این بخش از کتاب ایشان را خلاصه نمودیم. در نهایت ثابت شد که این آیه نه تنها فضیلتی برای ابوبکر ثابت می کند بلکه اوج ضعف ایمان او را نشان می دهد.

(آیه غار)

الا تنصروه فقد نصره الله إذ أخرجه الذين كفروا ثاني اثنين إذ هما في الغار إذ يقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا فانزل الله سكينته عليه و ائده بجنود لم تروها وجعل كلمه الذين كفروا السفلى و كلمه الله هي العليا والله عزيز حكيم.

اگر او (پیامبر) را یاری نکنید خداوند او را (در سخت ترین لحظات) یاری کرد آن هنگام که کافران او را از مکه بیرون کردند در حالی که یکی از دونفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت) در آن هنگام که آن دو در غار بودند و او به همسفر خود می گفت: غم مخور خدا با ماست، آنگاه خداوند آرامش خود را بر او فرستاد و با لشگرهایی که مشاهده نمی کردید او را تأیید نمود و گفتار کافران را پایین تر قرارداد و آنها را باشکست مواجه ساخت و تنها سخن خدا و آیین او برتر و پیروز است و خداوند توانا و حکیم است.

(اهل سنت و دور نمایی از مفاد آیه)

فخر رازی درباره مفاد و مضمون کلی آیه می نویسد، مشرکین قریش تصمیم گرفتند رسول خدا را بکشند خداوند به رسول گرامی اسلام و ابوبکر دستور داد ابتدای شب از مکه به سمت غار ثور برود رسول خدا به حضرت علی دستور داد تا به جای ایشان در رختخواب بخوابد و حضرت با ابوبکر از مکه خارج شد، هنگامی که به غار ثور رسیدند ابوبکر قبل از پیامبر وارد غار شد همه جای غار را بررسی کرد پیامبر پرسید دنبال چیزی می گردی؟ ابوبکر گفت درندگان و خزندگان معمولاً در غارها زندگی میکنند قبل شما وارد غار شدم که اگر خطری داخل غار باشد متوجه من باشد به شما آسیبی نرسد. داخل غار سوراخی بود ابوبکر به آن تکیه داد تا خطری پیامبر را تهدید نکند. هنگامی که مشرکین رد پای پیامبر را گرفته و به نزدیک غار رسیدند ابوبکر بخاطر پیامبر گریه کرد و گفت: اگر دست مشرکین به شما برسد دین خدا از بین خواهد رفت رسول خدا به ابوبکر فرمود: نگران نباش خداوند یاور ماست. ابوبکر پرسید خدا با ما است؟ رسول خدا فرمود بله. ابوبکر پس از شنیدن این مطالب از رسول خدا اشک را از گونه های خود پاک کرد.

مطابق برخی روایات هنگامی که ابوبکر وارد غار شد مانعی را جلوی غار گذاشت، خداوند دو کبوتر را فرستاد زیر همان مانع تخم گذاشتند و عنکبوتی مقابل ورودی غار تار زده بود هنگامی که مشرکین نزدیک غار رسیدند وارد غار نشدند و تنها اطراف غار را گشتند اما کسی را پیدا نکردند.^۱

به گفته آلوسی همان سوراخ که داخل غار بود و ابوبکر برای حفظ جان پیامبر پایش را درون سوراخ کرده بود مارهای سمی پای او را نیش زدند و اشک از چشمان ابوبکر جاری شد اما برای حفظ جان پیامبر پایش را بیرون نیاورد.^۲

(استناد عمر بن خطاب به آیه غار)

محمد بن عیسی ترمذی در کتاب الشمائل المحمدیه می نویسد:

پس از رحلت رسول خدا مهاجرین گردهم جمع شده و درباره جانشینی رسول خدا و رهبری جامعه باهم مشورت می کردند، عده ای گفتند: نزد انصار برویم و آنان را نیز در این امر سهیم نماییم هنگامی که نزد انصار رفتند برخی پیشنهاد دو رهبر را دادند یک رهبر از مهاجرین و یکی از انصار عمر بن خطاب با استناد به آیه غار گفت چه کسی افتخارات ابوبکر را

^۱ التفسیر الکبیر ج ۱۶ ص ۶۳ ذیل آیه ۴۰ سوره توبه

^۲ روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع المثانی ج ۱۰ ص ۴۰۵ ذیل آیه ۴۰ سوره توبه

دارد؟ او ثانی اثنین و همراه رسول خدا در غار بوده و رسول خدا به او فرمود: ناراحت نباش خدا همراه ماست عمر بن خطاب دستش را دراز کرد و با ابوبکر بیعت کرد و پس از عمر مردم هم با ابوبکر بیعت کردند.^۳

قرطبی در ذیل آیه محل بحث مینویسد: برخی از علما معتقدند در آیه غار مطالب و نکاتی وجود دارد که برخلاف ابوبکر دلالت دارد و نشان می دهد که بعد از رسول خدا ابوبکر جانشین آن حضرت است.^۴

(بررسی و نقد استدلال اهل سنت)

درباره روایات و سخنان اهل سنت مطالب زیادی در ذیل آیه غار وجود دارد یکی از روایت صحیح بخاری است و مباحث دیگر در دویخس سوال مطرح شده و به نقد و بررسی ادعاهای اهل سنت می پردازیم از آنجا که عایشه اعتراف کرد که هیچ آیه ای از قرآن کریم درباره خانواده اش نازل نشده باید در مورد صحت مطلب ترمذی شک و تردید داشت.

روایتی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده: مروان بن حکم از طرف معاویه به عنوان والی منطقه حجاز منصوب شده بود مروان پس از مرگ معاویه سخنرانی کرد و مطالبی درباره یزید بن معاویه گفت: عبدالرحمن پسر ابوبکر (در مخالفت با بیعت مردم با یزید) مطلبی را گفت مروان ناراحت شد و عبدالرحمن را دستگیر کرد، عبدالرحمن فرار کرد و وارد خانه عایشه شد مروان فریاد زد تو همان کسی بودی این آیه (والذی قال لوالدیه اف لکما) درباره تو نازل شده است.

عایشه از پشت پرده گفت هیچ آیه ای از قرآن درباره خانواده مانازل نشد الا ماجرای افک که خداوند بی گناهی مرا بیان کرد.

باتوجه به روایتی که بخاری نقل کرده که آیه غار درباره ابوبکر است دو چیز را باید پذیرفت یکی عایشه خلاف واقع عمل کرده و دروغ میگوید یا روایت صحیح بخاری اعتباری ندارد.

(سوال اول: آیا همراهی ابوبکر با پیامبر قطعی است؟)

مهاجرت ابوبکر و پیامبر به مدینه امر مسلم و قطعی نیست و قابل تردید است.

(شاهد اول: حضور ابوبکر در نماز سالم مولی ابی حذیفه)

بسیاری از محدثین و مورخین اهل سنت روایتی را از عبدالله بن عمر نقل کرده اند که نشان می دهد ابوبکر قبل از رسول خدا به مدینه مهاجرت کرده و اصلاً با پیامبر نبود و همراهی نکرده است. قبل از آمدن رسول خدا به مدینه شخصی به نام سالم مولی ابی حذیفه در مسجد قبا نماز جماعت خوانده و ابوبکر و عمر در نماز جماعت او حاضر بود و به او اقتدا کرده و نماز خواندند.^۵

اگر ابوبکر هنگام مهاجرت پیامبر همراهی کرده چگونه همان زمان در مدینه بوده و پشت سر سالم مولی ابی حذیفه نماز جماعت خوانده؟

از میان علمایی که روایت نقل کرده اند فقط بیهقی متوجه ناسازگاری و همراهی ابوبکر در هجرت شده، او میگوید شاید نماز ابوبکر در پشت سر سالم زمان دیگر بوده یا شاید قبل از آمدن پیامبر و هم بعد از آمدن پیامبر بوده است.^۶

^۳ الجامع الاحکام القرآن ج ۴ ص ۳۵۴

^۴ الجامع الاحکام القرآن ج ۴ ص ۳۵۴ ذیل آیه ۴۰ سوره توبه

^۵ المدونه الکبری ج ۱ ص ۸۵

^۶ سنن الکبری ج ۴ ص ۲۳۵

(نقد حرف بیهقی)

حرف بیهقی خلاف ظاهر است زیرا روایت مذکور می گوید: قبل از اینکه پیامبر به مدینه بیاید، سالم به مدینه نماز می خواند و ابوبکر و عمر در نماز جماعت شرکت کرده و پشت سر سالم نماز می خوانند. ابن حجر حرف بیهقی را نمی پذیرد^۷ باتوجه به روایات همراهی ابوبکر با پیامبر در ماجرای هجرت و حضور در غار شدیداً محل تردید است و نمی توان آیه غار را به ابوبکر اختصاص داد.

(شاهد دوم: عدم استناد ابوبکر به آیه غار)

ابوبکر در هیچ یک از جریان تعیین خلیفه در سقیفه به آیه غار تمسک نکرده است و ابوبکر در جریان سقیفه مسائلی از قبیل سبقت داشتن مهاجرین در اسلام، خویشاوندی با رسول خدا و خویشاوندی قریش با تمام قبایل عرب مطرح کرده است.^۸

(شاهد سوم: عدم نزول آیه درباره ابوبکر)

براساس روایت بخاری عایشه معتقد است در قصه افک هیچ آیه ای در مورد خاندان ابوبکر نازل نشده است.^۹ عایشه به جمعی از فرزندان ابوبکر اعتراض کرد ولی از حاضرین به عایشه اعتراض نکردند. اگر آیه غار از فضیلت های ابوبکر هست و درباره ماجرای هجرت ابوبکر با پیامبر نازل شده چرا صحابه ای که نزد اهل سنت عادل هستند از این فضیلت دفاع نکردند؟

(شاهد چهارم: انکار ماجرا توسط برخی تابعین)

در تاریخ بیان شد زمان های قدیم نزول آیه در مورد ابوبکر شک و تردیدهایی بوده و برخی از اصحاب ائمه منکر نزول آیه درباره ابوبکر بودند. شخصی به نام محمد بن جعفر کوفی منکر آیه غار بوده و او از یاران امام باقر و امام صادق و امام کاظم بوده است، دشمنان او را شیطان بزرگ نامیده و به او دشنام و ناسزا می گفتند.^{۱۰}

(سوال دوم: آیا آیه غار برافضلیت ابوبکر دلالت دارد)

اهل سنت بخشی از فقرات آیه غار را بر ابوبکر تطبیق داده و با استدلال های متفاوت افضلیت ابوبکر را برای خلافت برآمده اند.

(بیان اول: همراهی با پیامبر و اعتماد پیامبر به ابوبکر نشانه ایمان ابوبکر)

پیامبر از ترس مشرکین به غار ثور رفت و ابوبکر را با خود برد و اگر رسول خدا به ابوبکر ایمان و اعتقاد نداشت او را نمی برد و ممکن بود ابوبکر مخفی گاه را اطلاع دهد یا خودش به جان پیامبر سوء قصد کند و حضرت را به قتل برساند.^{۱۱}

(بررسی و نقد بیان اول)

اعتماد رسول خدا به ابوبکر و همراهی ابوبکر با پیامبر هیچ ملازمه ای با مومن بودن ابوبکر ندارد زیرا بنا به گفته محمد بن جریر، ابن اثیر جزری، در همان ماجرای مهاجرت پیامبر و ابوبکر به کافری به نام عبدالله بن ارقط اعتماد کرده شتران خود را به او سپردند تا آنان را به مدینه برساند.^{۱۲}

^۷ فتح الباری بشرح صحیح البخاری ج ۲ ص ۲۱۸

^۸ الامامة والسياسة ج ۱ ص ۶

^۹ منظور عایشه آیات مربوط به ماجرای افک است که در سوره نور آمده است ولی به نظر ما این آیات هم ربطی به عایشه نداشته و برای تبرئه ماریه قطیبه نازل شده است.

^{۱۰} تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام ج ۱۱ ص ۱۸۲، ۱۸۳

^{۱۱} التفسیر الکبیر ج ۱۶ ص ۶

^{۱۲} الجامع الاحکام القرآن ج ۴ ص ۳۵۳

آیا اعتماد کردن پیامبر به ابوبکر به عبدالله بن ارقط دلیلی برای مومن بودن او بوده؟ سخنان فخررازی این گونه است اولاً: عبدالله بن ارقط قطعاً مومن نبود پیامبر به او اعتماد کرد ثانیاً: مدارک و مستندات تاریخی می گوید ابوبکر جرأت چنین کاری را نداشته است.

(بیان دوم: همراهی ابوبکر با پیامبر به دستور خداوند)

هجرت پیامبر به دستور خداوند صورت گرفته است و در میان صحابه با ایمان پیامبر افرادی هم بودند که به پیامبر نزدیکتر از ابوبکر بودند، همراه بودن ابوبکر با پیامبر دستور خداوند بوده و نشان دهنده جایگاه بزرگ او در دین اسلام است.^{۱۳}

(بررسی و نقد بیان دوم)

اشکال اول: این که پیامبر ابوبکر را به عنوان همراه و همسفر انتخاب کرده فضیلتی برای ابوبکر محسوب نمیشود زیرا همسفر می تواند انسان با تقوا و مومن باشد و هم میتواند انسان گمراه باشد، انسان ها معمولاً در مسافرت هایشان کسی را انتخاب میکنند که از حوادث و ایام اطلاع داشته باشد و این همراهی ابوبکر با پیامبر فضیلتی برای او اثبات نمی کند.^{۱۴} اشکال دوم: طبق روایات نقل شده توسط محمد بن اسماعیل بخاری اینکه در ماجرای مهاجرت رسول خدا به مدینه ابوبکر از پیامبر تقاضا کرد که همسفر پیامبر باشد.^{۱۵} و هیچ تقاضایی از طرف پیامبر نبوده است تا دلیل بر احترام ابوبکر توسط پیامبر باشد و این که انتخاب ابوبکر را به خداوند نسبت می دهند یک توهم و خیال است. به نظر می رسد یکی از علل قبولی همراهی ابوبکر این است که پیامبر از ترس لو رفتن نقشه هجرت توسط ابوبکر در اثر کم ظرفیت بودن او، وی را همراه خود برده است.

(بیان سوم: تنها نگذاشتن پیامبر و همراهی با آن حضرت)

در ماجرای هجرت، همه صحابه رسول خدا را تنها گذاشته و به مدینه رفتند اما ابوبکر همراه پیامبر ماند و این فضیلت بزرگی برای او محسوب می شود.^{۱۶}

(بررسی و نقد بیان سوم)

شیخ مفید می نویسد: رسول خدا توسط ملائکه تایید شده بود و وحی الهی هم لحظه به لحظه بر حضرت نازل می شود جبرئیل آیات قرآن را برای رسول خدا می آورد و او را از یاری شدن توسط خداوند آگاه میکرد آیا چنین کسی نیاز به همراهی چون ابوبکر دار، آیا آدم ترسویی همچون ابوبکر می تواند همدم خوبی برای پیامبر باشد.^{۱۷}

(بیان چهارم: نفر دوم در کنار پیامبر)

خداوند در آیه غار ابوبکر را ثانی اثنین و فرد دوم کنار پیامبر نامیده است و این فضیلتی برای ابوبکر است.^{۱۸}

(بررسی و نقد بیان چهارم)

این بیان چند اشکال دارد ۱. عبارت ثانی اثنین صرفاً بیان یک عدد است و در جایی که با وجود یک شخص عدد یک تبدیل به عدد دو میشود فضیلتی برای شخص ثابت نمیشود زیرا ممکن است یک کودک یا یک جاهل شخص دوم باشد.^{۱۹} ۲. ثانی اثنین صفت رسول خداست ابوبکر نفر اول معرفی شده است، علامه مظفر می فرماید: اگر ثانی بودن در فضل و شرف مراد آیه باشد لازم می آید ابوبکر از رسول خدا برتر و افضل باشد.^{۲۰} ۳. این بیان تنها فضیلت ابوبکر را ثابت میکند نه افضلیت و برتری او را بر سایر صحابه و شایستگی او را برای خلافت اثبات نمی کند.

(بیان پنجم: مصاحبت و همراهی با پیامبر)

۱۳ تفسیر الکبیر ج ۱۶ ص ۶۴

۱۴ الافصاح فی الامامة ص ۱۸۶، ۱۸۷

۱۵ صحیح بخاری ص ۷۷۹

۱۶ تفسیر الکبیر ج ۱۶ ص ۶۴

۱۷ الافصاح فی الامامة ص ۱۸۶

۱۸ تفسیر الکبیر ج ۱۶ ص ۶۴

۱۹ الافصاح فی الامامة ص ۱۸۷

۲۰ دلائل الصدق ج ۶ ص ۵۴۸

خداوند در آیه «اذ يقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا» ابوبکر را به عنوان همراه پیامبر معرفی کرده است و این نشانه فضیلت است چرا که مصاحب و همراه بودن در ماجرای هجرت و درون غارمنزلت و جایگاه عظیمی دارند که خداوند این جایگاه را به ابوبکر اختصاص داده است.^{۲۱}

علاوه بر این واژه صاحب نوعی انس گرفتن نیز است و نشان می دهد که پیامبر با ابوبکر انس داشته و این فضیلت جداگانه ای برای او محسوب میشود.

(بررسی و نقد بیان پنجم)

اشکال اول: شیخ و علامه مجلسی می فرمایند: صرف مصاحبت و همراهی با پیامبر افضلیت ابوبکر را بر صحابه اثبات نمی کند زیرا گاهی یک مومن با کافر هم مصاحبت و همراه میشود گاهی یک کودک یا یک حیوان همراه انسان است.^{۲۲}

در قرآن کریم مواردی از مصاحبت و همراهی مومن و کافر اشاره کرده، خداوند در سوره کهف به مصاحبت مومن و کافر اشاره کرده و می فرماید «قال له صاحبه وهو يحاوره اكفرت بالذي خلقك من تراب ثم من نطفة ثم سواك رجلا»^{۲۳}.

اشکال: ممکن است اهل سنت بگویند: آیه غار با این آیه تفاوت دارد زیرا در این آیه شخص مومن به رفیق خود می گوید آیا کافر شده ای، اما در آیه غار پیامبر به همراه خود میگوید اندوهگین مباش خدا با ماست آیا کافر شده ای؟ نوعی تحقیر وجود دارد اما در عبارت دیگر نوعی احترام وجود دارد.

جواب: بحث در مورد احترام نیست بلکه سخن در این است که آیا مصاحبت و همراهی با پیامبر فضیلت محسوب میشود یا نه این آیه نه تنها نشانه احترام نیست بلکه نوعی مذمت ابوبکر نیز می باشد.

اشکال دوم: بر اساس روایات اهل سنت تعدادی از صحابه رسول خدا در روز قیامت به سوی جهنم برده میشوند و هنگامی که پیامبر علت را می پرسند خطاب می رسد ای رسول ما نمیدانی که بعد از تو چه کارهایی که نکردند.^{۲۴}

روایت از پیامبر است که می فرمایند: در میان اصحاب و یاران من دوازده نفر منافق وجود دارد که هشت نفر از آنان به هیچ وجه وارد بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن عبور کند.^{۲۵} اگر صرف مصاحبت باشد پس چرا این عده به جهنم برده میشوند؟

(بیان ششم: محزون نشدن ابوبکر)

پیامبر با عبارت «لا تحزن» ابوبکر را از محزون شدن نهی کرده است نهی موجود در آیه مطلق است و مخصوص به زمان خاصی نیست یعنی ابوبکر پس از نهی پیامبر هرگز نباید محزون شود ابوبکر بعد از خطاب پیامبر هرگز محزون نشد نه از زمان مرگ و نه احتضار معلوم میشود ابوبکر انسان کامل است که بعد از مرگ هم محزون نمیشود.

۲۱ تفسیر الکبیر ج ۱۶ ص ۶۵

۲۲ مرآة العقول فی الشرح الاخبار ان الرسول ج ۲۶ ص ۲۵۴، ۲۵۵ ذیل حدیث ۳۷۷

۲۳ سوره کهف آیه ۳۷

۲۴ صحیح البخاری ص ۹۱۸

۲۵ صحیح المسلم ص ۱۲۶۰

(بررسی و نقد بیان ششم)

چند اشکال است: آیا ناراحتی و حزن ابوبکر در درون غار حسن داشت و اطاعت خداوند محسوب میشد؟ قطعاً این طور نیست زیرا اگر ناراحتی ابوبکر حسن داشت هرگز از سوی خداوند پیامبر نهی نمیشد.

۲. اولیاء الهی و انسان های باتقوا و نیکوکار و کسانی که به خدا ایمان دارند هرگز محزون نمی شوند این آیات نشان می دهد که ابوبکر دارای این صفات نیست والا محزون نمیشد محزون شدن از مصادیق معصیت خداوند به شمار رفته و نشان ضعف و نقص ایمان است.

ابوبکر نشانه های آیات و معجزات زیادی را از پیامبر دیده بود و باید یقین می داشت که خداوند پیامبرش را از حوادث و شر مشرکین حفظ خواهد کرد کسی که با دیدن معجزات رسول خدا باز هم ترس و حزن بر او عارض می شود هرگز قابل مقایسه با امیرالمومنین نیست آن حضرت در لیلۃ المبیت بخاطر حفظ جان پیامبر و بقاء اسلام از جان خود گذشت در حالی که از تصمیم مشرکان آگاه بود. خداوند نیز به این عمل امیرالمومنین نزد ملائکه افتخار کرده و آیه «ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء و.....»^{۲۶} را در حق ایشان نازل کرد^{۲۷}.

سوال: اگر عبارت لا تحزن قرینه باشد به این که حزن و اندوه ابوبکر کار حرامی بوده در آیات «لا تخف انک انت الاعلی»^{۲۸} «ولا یحزنک قولهم»^{۲۹} نیز قائل شویم که ترس و نگرانی حضرت موسی و پیامبر کار حرامی بوده آیا ارتکاب کار حرام از حضرت موسی و پیامبر را می پذیرید؟ در پاسخ باید گفت حضرت موسی و پیامبر به خاطر خودشان نرسیدند بلکه ترسشان بخاطر این بود که مبدا افراد ساده لوح خیال کنند که جادو با معجزه یکسان هستند. درآیه دوم هم حزن و اندوه پیامبر به خاطر خودش نیست بلکه رسول خدا از اینکه مردم به سرعت به سمت کفر و شرک می رفتند ناراحت بودند در حالی که حزن و اندوه ابوبکر در غار بخاطر ترس از جان خودش بود نه چیز دیگری.

بیان هفتم: حمایت و پشتیبانی الهی

عده ای در مورد ان الله معنا می گویند مراد از همراهی و معیت یعنی خداوند پشتیبان ما می باشد و مارا حمایت می کند و طبق این گفته پس پشتیبانی از پیامبر و ابوبکر حمایت الهی است و این فضیلت است^{۳۰}

بررسی و نقد بیان هفتم

استدلال بیان هفتم چند اشکال دارد

۱) معیب موجود اگر به معنای پشتیبانی الهی باشد باز هم فضیلتی برای ابوبکر ندارد

زیرا حمایت الهی بالذات و اصلت از پیامبر است و این جمله را می توان از آیه (وما کان الله لیعذبهن و انت فیهم)^{۳۱}

بیان کرد زیرا خداوند می گوید ما با وجود پیامبر هیچ عذابی به اطرافیان آن نمی فرستیم و مراد در اینجا کفار و مشرکین هستند و اگر کافر و مشرکین در کنار اطراف آن حضرت عذاب نشوند مسلمانان که به طریق اولی عذاب نخواهند شد

۲) سید مرتضی نقل میکند این آیه به معنای پشتیبانی الهی نیست و منظور از (ان الله معنا) و خداوند بر کار ما مطلع می باشد و این معنی را از آیه (ما یكون من نجوى ثلاثة الا هو رابعهم)^{۳۲} فهمیده می شود زیرا معنای آیه این است هر کجا چند نفر با هم گفته گو کنند نفر چهارم خداوند است

^{۲۶} سوره بقره آیه ۲۰۷

^{۲۷} کشف البیان ج ۲ ص ۱۲۶، ۱۲۵

^{۲۸} سوره بقره آیه ۲۰۷

^{۲۹} کشف البیان ج ۲ ص ۱۲۶، ۱۲۵ ذیل آیه ۲۰۷ سوره بقره.

^{۳۰} التفسیر الکبیر ج ۱۶ ص ۶۵ ذیل آیه ۴۰ سوره توبه

^{۳۱} سوره انفال آیه ۳۳

^{۳۲} سوره مجادله آیه ۷

بیان نهم: تهیه اسباب و وسایل سفر و کمک های مادی به پیامبر

عده های گفته در جریان هجرت ابوبکر کمک های مادی به پیامبر کرده از جمله خرید شتر برای آن حضرت^{۳۳} و آوردن غذا توسط فرزندان^{۳۴} و اثاثیه و برخی لباس ها فراهم شد^{۳۵} که اینها نوعی فضیلت است برای ابوبکر

بررسی و نقد بیان نهم

اشکال اول بنا بر بیان برخی از علمای اهل سنت بخاری طبری و... از ابوبکر شتر رایگان نخرید بلکه پولش را داد^{۳۶} اشکال دوم از آنجا که ابوبکر ادعای می کرد که من همه مخارج پیامبر را دادم این یک حرف بیش نیست او حتی حاضر نبود صدقه اندک برای خود بدهد چگونه هزینه سنگین برای هجرت پیامبر داده او همه ثروت خود را به مدینه آورده و هیچ مبلغی برای خانواده اش نگذاشته

نظر حضرت مهدی علیه السلام پیرامون آیه غار

از آنجا برخی افراد صحت خلافت برای ابوبکر می دانند اما این طور نیست اگر بودباید هر چهار خلیفه را با خود به غار می بردند تا به شان سه خلیفه دیگر نقصی وارد نشود ولی نبرد و این مطلب نشان می دهد هیچ ربطی به خلافت ابوبکر ندارد^{۳۷}

تفاوت آیه غار با آیه از فضایل امام علی از طرف ابوبکر هیچ احترامی برای پیامبر نبود ولی خداوند در آیه مباحله^{۳۸} حضرت علی را نفس پیامبر نامیده و در آیه ولایت^{۳۹} در عبارت (الذین آمنوا) از حضرت سفارش کرده^{۴۰}

سایر موارد دوم بودن و بررسی و نقد آن

فخر راضی می گوید ابوبکر تنها در غار با پیامبر بوده بلکه در دعوت به اسلام در جنگ ها در روزهای آخر عمر حضرت و دومین نفر بوده که در کنار پیامبر دفن شده^{۴۱}

قرطبی از احمد بن عمر بیان می کند

وقتی پیامبر از دنیا رفت همه مردم بی دین شدند به غیر از اهالی مکه و مدینه پس ابوبکر سختی های زیادی را تحمل کرد تا دوباره مردم را به اسلام دعوت کند از این لحاظ او را دوم نامیدند

دومین دعوت کننده به اسلام

اهل سنت ابوبکر را دومین نفر دانستند به اسلام و خیلی از بزرگان از جمله (طلحه زبیر و....) با پیامبر اسلام آوردند و به خاطر ابوبکر اسلام را قبول کردند^{۴۲}

در بررسی و نقد ادعای دعوت کردن مردم به اسلام

ادعای آنها بدون دلیل و قابل نقد می باشد

۳۳ تفسیر الکبیر ج ۱۶ ص ۶۶

۳۴ الکشف البیان ج ۵ ص ۴۷

۳۵ تفسیر الکبیر ج ۱۶ ص ۶۶ ذل آیه ۴۰ سوره توبه

۳۶ مجمع زوائد ج ۶ ص ۵۹

۳۷ کمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۴۸۹ باب ۱۱

۳۸ سوره آل عمران آیه ۶۱

۳۹ سوره مائده آیه ۵۵

۴۰ التفسیر الکبیر ج ۱۶ ص ۶۴

۴۱ الجامع لا حکام القرآن ج ۴ ص ۳۵۴

۴۲ تفسیر الکبیر ج ۱۶ ص ۶۸

اشکال اول کسی می تواند به عنوان شخص دوم باشد که قبل اش اسلام آورده باشد نه اینکه قبل او تعداد زیادی اسلام آورده بودند

محمد بن سعد می گوید قبل ابوبکر تعداد زیادی ایمان آورده بودند^{۴۳}

و در روایات گوناگون آمده که حضرت علی علیه السلام دومین نفر بوده که اسلام آورده به پیامبر چند نمونه روایت از اهل سنت در این زمینه ۱ (علی اول من آمن بی و صدقنی)^{۴۴}

۲ (اولکم ورودا علی الحوض اولکم اسلاما علی بی ابی طالب)^{۴۵}

اسلام عثمان بن عفان
احمد بن سهل بلخی از اسلام آوردن عفان می گوید ایشان یک سفر تجاری داشتند که در حال برگشت استراحت می کردند که خواب دید که محمد ظهور کرده که وقتی برگشت به پیامبر اسلام آورد^{۴۶}

اسلام طلحه بن عبیدالله

افرادی زیادی از جمله (حاکم نیشابوری و ابن جوزی و بلخی و.....) نحو اسلام آوردن طلحه خبر می دهد
اسلام عبد الرحمن بن عوف
عده ای در مورد اسلام آوردن عوف این افراد (دمشقی و عسقلانی و حلبی و...) مطالبی را بیان کردند

«نسب طلحه بن عبیدالله»

هشام بن محمد کلبی درباره نسب پدر و مادر طلحه می نویسد: صعبه دختر حضرمی یکی از زنان بدکاره پس از زنا کردن با ابوسفیان با عبیدالله ازدواج کرد شش ماه پس از ازدواج طلحه به دنیا آمد، ابوسفیان و عبیدالله باهم بر سر طفل منازعه داشتند تا اینکه صعبه طلحه را به عبیدالله ملحق کرد^{۴۷}.
تعبیرات حضرت علی علیه السلام که طلحه را با نام مادرش صدا زده نشان دهنده شک و ابهام در نسب طلحه است^{۴۸}.

«نسب زبیر بن عوام»

علامه مجلسی می نویسد: عوام فرد زیبایی بود او در مدینه تجارت میکرد عبدالمطلب صفیه را به ازدواج او درآورد^{۴۹}.

«دومین نفر در جنگ ها»

گفته میشود ابوبکر در جنگ ها در کنار رسول خدا و شخص دوم برای آن حضرت بود اما میگویند که ابوبکر حتی از رویارویی و مقابله با فرزند خودش عاجز بود^{۵۰}.

«اسلام سعد بن ابی وقاص»

درباره اسلام سعد دونکته قابل ذکر است.

۱. سعد بن ابی وقاص میگوید سه روز قبل از اسلام آوردن خواب دیدم که همه جا تاریک است، ناگهان ماه پدیدار شد و من به دنبال ماه رفتم متوجه شدم زید بن حارثه و علی بن ابی طالب و ابوبکر قبل از من از نور استفاده میکنند وقتی از خواب بیدار شدم متوجه شدم رسول خدا مخفیانه مردم را به اسلام دعوت می کند و من هم اسلام آوردم. اسلام او هیچ ربطی به دعوت ابوبکر ندارد.

۲. محمد بن اسماعیل بخاری به نقل از سعد می گوید من در اسلام نفر سوم بودم که ایمان آوردم.

^{۴۳} تاریخ الامم و الملوک ج ۱ ص ۵۴۰

^{۴۴} تاریخ دمشق الکبیر ج ۴۵ ص ۲۸

^{۴۵} الاستیعاب فی معرفته الاصلاب ج ۳ ص ۱۹۸

^{۴۶} البدء و التاریخ ج ۲ ص ۱۴۹

^{۴۷} الطرائف فی معرفه مذاهب ج ۲ ص ۲۱۱

^{۴۸} شرح نهج البلاغه ج ۴ ص ۷

^{۴۹} بحار الانوار ج ۳۲ ص ۲۱۸

^{۵۰} شرح نهج البلاغه ج ۱۳ ص ۲۸۱

اشکال: اگر ابوبکر چنان جایگاه و نفوذی داشت باید در کمتر از یکسال اهل مکه مسلمان می شدند اما این چنین نشد.

«ابوبکر در جنگ احد»

زید بن وهب می گوید: از عبدالله بن مسعود پرسیدم که در جنگ احد همه صحابه به جز علی بن ابی طالب فرار کردند آیا صحت دارد؟ عبدالله بن مسعود گفت همه صحابه فرار کردند به جز علی بن ابی طالب بعد پرسیدم ابوبکر و عمر کجا بودند؟ گفت جزء افرادی بودند که از جنگ فرار کردند عثمان نیز از جنگ فرار کرده بود.^{۵۱}

عبدالله بن عباس می گوید حضرت علی علیه السلام چهار ویژگی دارد که هیچ کس ندارد ۱. از میان عرب و عجم اولین کسی است که همراه رسول خدا نماز خواند ۲. در تمام جنگ ها پرچم سپاه اسلام در دست آن حضرت بود ۳. در جنگ احد همراه رسول خدا در کنار آن حضرت پایداری کرد ۴. رسول خدا را پس از رحلت آن حضرت غسل داده و داخل قبر نهاد.^{۵۲}

«ابوبکر در جنگ خیبر»

ابوبکر در جنگ خیبر که پیامبر او را فرستاد شکست خورد و برگشت.^{۵۳}

«ابوبکر در جنگ حنین»

در منابع تاریخی روایی اهل سنت مدارکی وجود دارد که نشان میدهد در جنگ حنین افراد معدودی در کنار رسول خدا باقی مانده و ابوبکر همانند بسیاری از مسلمانان پا به فرار گذاشته است.

«دومین نفر در امامت جماعت»

ماجرای نماز خواندن ابوبکر زمانی که پیامبر کسالت داشتند یکی از مهمترین ادله اثبات مشروعیت خلافت ابوبکر در نزد آنان می باشد. اهل سنت معتقدند که ابوبکر با دستور پیامبر نماز خوانده و منصب ثانی بودن برای رسول خدا را کسب کرده است.

«دومین نفر در دفن شدن در کنار پیامبر»

اهل سنت معتقدند که ابوبکر پس از مرگ در کنار پیامبر دفن شده و در این جهت هم ثانی حضرت گردیده است. چند اشکال وجود دارد: ۱. دفن شدن در کنار پیامبری که به گفته خودشان احکام و مسائل را عمر بن خطاب به او یاد میدهد و در راهنمایی مردم اشتباه میکند و هیچ خیر و منفعتی ندارد و زیارت قبرش حرام است نه تنها به هیچ وجه نمی تواند مایه مباحات و افتخار باشد بلکه به نظر می رسد قضیه برعکس است و رسول خدا نعوذ بالله باید افتخار کند که ابوبکر و عمر در کنارش دفن شده اند.

۲. در محل دفن پیامبر اختلافاتی وجود دارد برخی می گویند پیامبر در خانه دخترش دفن شده بعضی می گویند در خانه خودش و بعضی می گویند در خانه عایشه دفن شده اند اگر اینطور باشد که عمر و ابوبکر در زمین غصبی دفن شده اند و این نه تنها فضیلتی برای ابوبکر حساب نمیشود بلکه غصبی بودن محل دفن نقطه منفی برای اوست.

^{۵۱} الارشاد فی معرفه ج ۱ ص ۸۳

^{۵۲} المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۲۰

^{۵۳} المصنف فی الاحادیث والاثار ج ۷ ص ۴۹۷

«سخن پایانی»

به نظر می‌رسد هر انسانی با کمی تأمل به این مطالب پی می‌برد که تمامی فضایل نقل شده برای ابوبکر افسانه و تخیل است که از روی حسادت در راستای مقابله با فضائل فراوان حضرت علی علیه السلام ساخته شده است..

نتیجه گیری و هدف اصلی

هدف ما از این مقاله این است که اثبات کنیم که آیه غار فضیلتی برای ابوبکر محسوب نمی‌شود و هرچه که اهل سنت بیان کرده اند از مفاد آیه به دور است.

منابع

کتاب نقد ادله خلافت، نجم الدین طبری